

سید رضا سجادی زاده

۴۷ ساله، فرزند مرحوم سید حسین ونوه مرحوم سید محمد

کارمند شهرداری



تفریح ما کربلاست

مردم به واسطه نام مبارک ائمه اطهار به سادات احترام می گذارند، وگرنه از خودمان چیزی نداریم. مادر قبال این احترام مسئولیت داریم. باید طوری رفتار کنیم که نام سادات بد جلوه نکند. خود من چون سید بودم، سراغ خیلی از کارها نرفتم. باید شخصیت نام و خانواده ام حفظ می شد و به همین دلیل جوانی متفاوتی داشتم. مثلا حتی همین الان در خود رو ما تنها نوای نوحه و مداحی شنیده می شود. ما ترجیح می دهیم بین سفر به جاهای مختلف به کربلا برویم. در خانواده سادات اعتقادات و رفتار از پدر به پسر ارث می رسد کما اینکه نماز خواندن و روزه گرفتن من از پدرم، آقا سید حسین، به یادگار مانده است چون تا کید ویژه ای بر نماز و روزه داشت.

سید هادی سجادی زاده

۳۹ ساله، فرزند سید عباس ونوه سید محمد

مدرس دانشگاه در رشته علوم قرآن و حدیث



احترام ویژه به عمامه سیاه

عوامل مختلفی در زندگی هر انسانی هست که او را در مسیر خاص خودش قرار می دهد، برای ما بیش از هر چیز «سید بودن»، زندگی و اهدافمان را مشخص کرده است. ما همیشه باید حرمت پیشوند اسممان را نگه می داشتیم. خاطر من هست در دوره دبیرستان روزی از روزهای آخر اسفند، اصطلاحا مدرسه را بیچاندیم؛ من اما به بقیه پیشنهاد دادم که همگی به حرم مطهر برویم. حتی فرار کردن از مدرسه هم برای ما رنگ و بوی دیگری داشت. از آن سو مردم هم نگاه دیگری به بچه سیدها دارند. در محیط کار و دانشگاه به سبب لباس روحانیت و عمامه سیاه که من بر سر دارم دیگران احترام ویژه ای به من می گذارند، مثلا در نماز جماعت همین که وارد مسجد یا نمازخانه می شوم، من را جلو می فرستند؛ حتی استادانم که رتبه علمی بالاتری دارند، پیش نماز نمی ایستند.

سید علی اکبر سجادی زاده

۵۳ ساله، فرزند مرحوم سید محمد

مدرس دانشگاه در رشته ریاضی



بازی مردم آزار داشتیم

وقتی بچه بودم، پدر و مادرم روز عید غدیر، کفنی پهن می کردند و چند لحظه در آن می خوابیدند. مستحب است که این کار انجام شود و روایت داریم که باعث طولانی تر شدن عمر هم می شود. البته ربطی به سید بودن ندارد و قدیم ترها حتی عام ها این کار را می کردند. پدر و مادرم از همان بچگی، ما را از برخی کارها نهی می کردند. ما اصلا بازی های مردم آزار نداشتیم، رسم بود که برخی بچه ها برای تفریح زنگ یاد خانه های مردم را می زدند و فرار می کردند. اما ماهیچ وقت این کار را نکردیم. بزرگ تر هم که شدیم، سمت خیلی چیزها نرفتیم؛ مثلا هیچ ارتباطی با جنس مخالف نگرقتیم. این ها همه به خاطر سید بودن و سابقه خانواده مان بود. در خانواده ما همیشه بر خواندن قرآن تأکید می شود. به همین دلیل از قدیم دوره های خانگی و مراسم دعا و قرآن خوانی داریم. ایام عید غدیر هم بسیاری از سنت های این روز را انجام می دهیم.

سید حسن سجادی زاده

۶۵ ساله، فرزند مرحوم سید محمد

برق کار و کاسب محله



حنای شب عید

سید باید الگوی جامعه باشد و توقع نداشته باشد دیگران کمکش کنند. سادات باید تاجایی که توان دارند، از زحماتشان روزی کسب کنند و باعث رفتار کنند. آن ها اگر خطایی کنند، تنها آبروی خودشان را نمی برند، بلکه به اعتقاد مردم ضربه می زنند. حرفه من برق کاری است و وقتی به خانه مردم، می روم به اصطلاح از دست شل و از چشم کور، از زبان لال و از پاشکسته می شوم تا خطایی نکنم. سعی می کنم به نحو احسن کار کنم و کم کاری نداشته باشم تا خدا پدر و مادر بیمارزی بدهند و آبروی دیگر سادات هم حفظ شود. علاوه بر این ها ما سنت هایی داریم که باعث برکت زندگی می شود؛ مثلا رسم داریم که مجالس عروسی مان را شب عید غدیر برگزار کنیم. این عید برای ما خیلی عزیز است، طوری که پدر و مادرهای ما شب عید، دست و پا های خود را حنای می گذارند.

خانه های قیمتی کوچه سادات

جعفر باشتین، یکی از همسایه های کوچه گلریز ۱۱، در باره حضور خانواده سادات سجادی زاده و تأثیر آن بر حال و هوای کوچه و محله می گوید: شانزده خانواده سید در این

کوچه ساکن هستند؛ شاید سر جمع حدود هشتاد نفر سید داشته باشیم که همه اخلاق مدار هستند. آزاری ندارند و اگر کمکی هم از دستشان برآید، دریغ نمی کنند. به خاطر همین مراعات ها و رفتار بزرگان خانواده بوده که خیابان

گلریز ۹ و ۱۱ در گلشهر معروف است و اینجا را به محدوده سجادی های ما می شناسند. حتی قیمت خانه های اینجا کمی بیشتر است؛ چون در این دو کوچه، همسایه ای برای دیگری مزاحمتی ایجاد نم کند یا ناامنی و بد اخلاقی نداریم.

پیگیر کار همسایه ها

معصومه مشرفی، یکی از فعالان فرهنگی گلشهر، از رفتار خوب خانواده سادات سجادی زاده با همسایه ها داستان ها دارد و می گوید: خانواده ما ارادت و ویژه ای به خاندان

سجادی زاده دارند. پدرم چند سالی است که آنرا میمر گرفته است و گاه و بوی گاه حالش ناگوار می شود. چند سال پیش بی دلیل حال پدرم بد شد؛ مادرم به سرعت سراغ آقا سید علی سجادی، پیش نماز مسجد صاحب الزمان (عج)، ملکی رفت.

به او گفته بود، بیا که حاج آقا مشرفی رو به قبله است. آقا سید علی مثل همه دعائی که پیگیر کار همسایه هاست، سریع خودش را رساند و دعایی خواند. خوشبختانه خدا خواست و حال پدرم به برکت این دعا خوب شد.